

## «مضاف و مضاف إليه»

ساعةُ الوالدِ

صَفُّ المَدْرَسَةِ

كُتَابٌ عَلَيَّ

## «موصوف و صفت»

الوَرْدَةُ الحَمْرَاءُ

القلم الطَّوِيلُ

البِنْتُ الجَمِيلَةُ

## «مشخصات»

۱. مضاف إليه معمولاً مالکیت را می رساند

و به آن وابسته است.

۲. مضاف إليه از مضاف جداست و موجودیت

مستقلی دارد.

۳. تبعیتی ندارند.

۱. صفت، کلمه ای را توصیف می کند

و در مورد آن توضیحی می دهد.

۲. صفت، جزئی از موصوف است و

موجودیت مستقلی ندارد.

۳. صفت در تمام موارد (عدد، جنس، اعراب،

معرفه نکره بودن) تابع موصوف خود است.

## «طرز تشخیص»

۱. گذاشتن "این" (اول ترکیب) و "است" (آخر ترکیب):

اگر معنی دهد، موصوف و صفت است و

اگر معنی ندهد، مضاف و مضاف إليه.

مثال: الوَرْدَةُ الحَمْرَاءُ: این گل، قرمز است. پس "حَمْرَاءُ" صفت است.

ساعةُ الوالدِ: این ساعت، پدر است!! پس "پدر" مضاف إليه است.

۲. اضافه کردن "ی" به اسم اول:

اگر معنی دهد، موصوف و صفت است و

اگر معنی ندهد، مضاف و مضاف إليه.

مثال: در "گلی قرمز"، "قرمز" صفت است و در "ساعتی پدر!" "پدر" مضاف إليه است.

## «موارد خاص در مضاف إليه»

اسمی که بعد از این موارد بیاید، **مضاف إليه** است:

۱. بعد از "كُلُّ" و "جَمِيعٌ" و "بَعْضٌ" و "غیر".
  ۲. بعد از مصدر
  ۳. بعد از قید مکان و زمان
  ۴. بعد از "ذو، ذا، ذی، ذات" (صاحب و دارای)
  ۵. بعد از "أبو، آبا، أبی" (پدر)
  ۶. بعد از اسم تفضیل (صفت تفضیلی)
- مثال: كلُّ **کتاب**، جَمِيعُ **الکُتُب**، بَعْضُ **المَدارس** و..  
مثال: تَغْيِيرُ **الأخلاق**، اسْتِغْفَارُ **العَبْد**، حُلُوسُ **الطِّفْلِ** و..  
مثال: بَعْدَ **الظُّهْرِ**، فَوْقَ **الْمِنْضَةِ**، مَعَ **المُعَلِّم**، عِنْدِي و..  
مثال: ذُو **الفَقَار**، ذَا **العِلْم**، ذِي **الأولاد**، ذَاتُ **الأخلاق** و..  
مثال: أَبُوزَيْنَب، أَبُوعِدَاللَّهِ (ع)، أَبِي **العَصَل** (ع) و..  
مثال: أَفْضَلُ **العُلَمَاء**، أَشَدُّ **الأحكام** و..

-ضمیر متصل به اسم (یعنی ضمیری که بعد از اسمی بیاید)، **مضاف إليه** است.

### تَوْجُّه:

مضاف هیچ گاه ال یا تنوین نمی گیرد،  
اما مضاف إليه می تواند ال یا تنوین بگیرد.  
مثال: صَفَّ **المَدْرَسَةِ**، صَفَّ **مَدْرَسَةٍ**

### تَوْجُّه:

مضاف بودن و موصوف بودن نقش نیستند،  
اما مضاف إليه بودن و صفت بودن، نقشند.  
(مضاف، یا فاعل است یا مفعول یا مبتدا یا خبر یا..)  
مثال: كَتَبَ **الطالبُ** **المؤدَّبُ** **دَرَسَهُ** .  
فاعل صفت مفعول مضاف إليه

«أرجو لكم التَّوْفِيقَ»

«حقیقی»